

بررسی تحلیلی عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرستان خنداب، استان مرکزی)

رضا خسروبیگی برچلوبی*^۱ - حمید شایان^۲ - علی‌اکبر عنابستانی^۳ - خدیجه بوزرجمهری^۴

- ۱- استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران
- ۲- استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
- ۳- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
- ۴- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۵/۰۷ | صص ۵۴-۳۹ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۰۳/۰۹

چکیده

هدف: تحقیق حاضر عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی روستاهای شهرستان خنداب را درمقام معلول علل پیشین؛ یعنی، نظام برنامه‌ریزی برخاسته از رفتار دولت در سطح کلان کشور می‌داند؛ افزون‌براینکه از عوامل طبیعی نیز غافل نمی‌شود.

روش: تکنیک به‌کاربرده‌شده برای انجام پژوهش حاضر روش اسنادی و پیمایشی (میدانی - پرسشنامه مصاحبه‌ای) است. ۳۷۰ بهره‌بردار کشاورزی در ۲۵ سکونتگاه روستایی شهرستان خنداب و ۱۸ نفر از محققان و کارشناسان دانشگاهی حجم نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند.

یافته‌ها: نتایج به‌دست‌آمده از روش آنتروپی شانون نشان می‌دهد سطح توسعه کشاورزی با میانگین ۰/۰۳۰ پایین‌تر از حد ایده‌آل موردانتظار است. سطح توان طبیعی منطقه براساس مقیاس لیکرت ۳/۶۴ می‌باشد که از میانه نظری ۳ بالاتر است. میانگین مطلوبیت الگوی رفتاری دولت در محیط برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در طیف لیکرت ۱/۸۰ است که در سطحی پایین‌تر از میانه نظری تحقیق می‌باشد. تأثیر چنین رفتاری در میانگین ۰/۰۱۹ شاخص‌های تعیین عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی قابل-مشاهده است. در این بین، مؤلفه‌های تأسیسات زیربنایی، آموزش و ترویج و جذب سرمایه از بانک‌های عامل به‌ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۴۹۱، ۰/۶۷۰ و ۰/۴۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۲ با میزان توسعه کشاورزی ارتباط برقرار کرده‌اند که این رابطه نشان‌دهنده هدفمندنبودن سرمایه‌گذاری و مبتنی‌بر کارکرد انحرافی دولت در عرصه اقتصاد است. اهمیت اوزان شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار محصولات کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب با میانگین ۰/۰۱۱ نشان از وضعیت نامساعد این بعد دارد. این درحالی است که اهمیت شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار مبتنی‌بر میزان توسعه کشاورزی یکسان است.

محدودیت‌ها/راهبردها: نبود اطلاعات کافی و دسترسی نداشتن آسان به اطلاعات موجود در سازمان‌های مربوط. **راهکارهای عملی:** روابط بین دولت و بهره‌برداران کشاورزی در یک نقطه اشتراک بایستی به تأمین اهداف کلان توسعه کشور منجر شود و به موازانه‌ای فعال برای رشد اقتصادی در بخش کشاورزی برسد.

اصالت و ارزش: بیشتر پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه کشاورزی صرفاً به ساختار درونی روستا اکتفا کرده‌اند و در تبیین عوامل بیرونی از خود ضعف نشان داده‌اند. در این راستا، تحقیق حاضر به مبنای نظری دخالت دولت در فرایند توسعه کشاورزی به‌عنوان بخشی از اقتصاد کشور رجوع کرده است و کلید درک عوامل بازدارنده توسعه بخش کشاورزی را در ویژگی‌های نهادی دولت که در سازوکارهای یک اقتصاد سیاسی خاص (خصلت رانتیر دولت و اتکا به درآمدهای نفتی) جاسازی شده است، نهفته می‌بیند. **کلیدواژه‌ها:** عوامل طبیعی، عوامل نهادی دولت، سرمایه‌گذاری در تولید، تنظیم بازار، توسعه کشاورزی، شهرستان خنداب.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

در کشورهای در حال توسعه، کشاورزی فعالیت غالب اقتصاد بسیاری از مناطق روستایی است و اکثریت خانوارهای روستایی به‌طور مستقیم از بخش کشاورزی کسب معاش می‌کنند (اسکیز^۱، ۲۰۰۳، ص. ۱). افزون‌براین، کشاورزی ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد کشور دارد و بخش جدایی‌ناپذیر از توسعه اقتصاد ملی است (هاسین و خان^۲، ۲۰۱۱، ص. ۲). بخش کشاورزی سهمی اساسی در تولید ناخالص ملی دارد (سازمان همکاری‌های اقتصادی اروپا^۳، ۲۰۰۹، ص. ۴) و نقش مهمی در ایجاد امنیت غذایی پایدار ایفا می‌کند. با وجود نقش مثبت بخش کشاورزی در رشد و توسعه اقتصاد ملی و محلی، واقعیت‌های فعلی نشان‌دهنده ضعف اقتصاد مبتنی‌بر تولید و رکود بخش کشاورزی در مناطق روستایی هستند. استدلال بر این است که عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی در مناطق روستایی با دو ایده و نظر کلی مرتبط هستند؛ دسته‌ای از نظریات به عوامل اکولوژیک و محیطی نظیر شرایط اقلیمی، نوع خاک، نحوه دسترسی به آب و دسته دوم به عوامل اقتصاد سیاسی (یاسوری، ۱۳۸۶، صص. ۱۱۴-۱۱۳) اشاره دارد که مربوط به روابط متقابل میان نیروهای سیاسی و اقتصادی و تأثیر آن روابط بر تشکیل سیاست‌های اقتصادی است (فهیمی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳). در این میان، شهرستان خنداب یکی از قطب‌های اصلی کشاورزی استان مرکزی است و از ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه بخش کشاورزی بهره‌مند است. وجود دالان طبیعی دشت شراء و رودخانه قره‌چای شرایطی را به وجود آورده‌اند که بخش کشاورزی به‌عنوان فعالیت اصلی روستاییان مطرح گردد و از قابلیت‌های فراوانی برای بهبود ساختار اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی برخوردار باشد. با وجود ظرفیت‌های فراوان، از تمامی قابلیت‌های کشاورزی در این منطقه استفاده نمی‌شود و فرایند برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در این منطقه به‌گونه‌ای است که قادر به انعکاس ظرفیت‌های واقعی این بخش در ساختار اقتصادی مناطق روستایی نمی‌باشد. تحقیق حاضر عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی روستاهای شهرستان خنداب را در مقام معلول علل پیشین؛ یعنی، نظام برنامه‌ریزی برخاسته از رفتار دولت در سطح کلان کشور می‌داند و بر آن است تا با رسوخ به مبانی نظری موجود در عرصه برنامه‌ریزی کشور معضلات بازدارنده کنونی را به‌عنوان

انعکاسی از عملکرد تصمیم‌گیری در سطح کلان کشور جلوه دهد. به‌علاوه، با شناسایی و تحلیل عوامل بازدارنده توسعه کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی این شهرستان گامی در راستای استفاده بیشتر از ظرفیت‌های تولید و بهبود وضعیت بخش کشاورزی برداشته باشد؛ بنابراین، در این تحقیق در پی شناسایی این مسائل هستیم که: بخش کشاورزی شهرستان خنداب با چه مسائل و مشکلاتی در فرایند توسعه مواجه است که وجود و تداوم آن‌ها رکود و ضعف اقتصاد مبتنی‌بر تولید را در مناطق روستایی به‌همراه آورده است؟ و چه عواملی در بازدارندگی توسعه بخش کشاورزی در مناطق روستایی نقش مؤثری را ایفا می‌کنند؟

۲. روش‌شناسی تحقیق

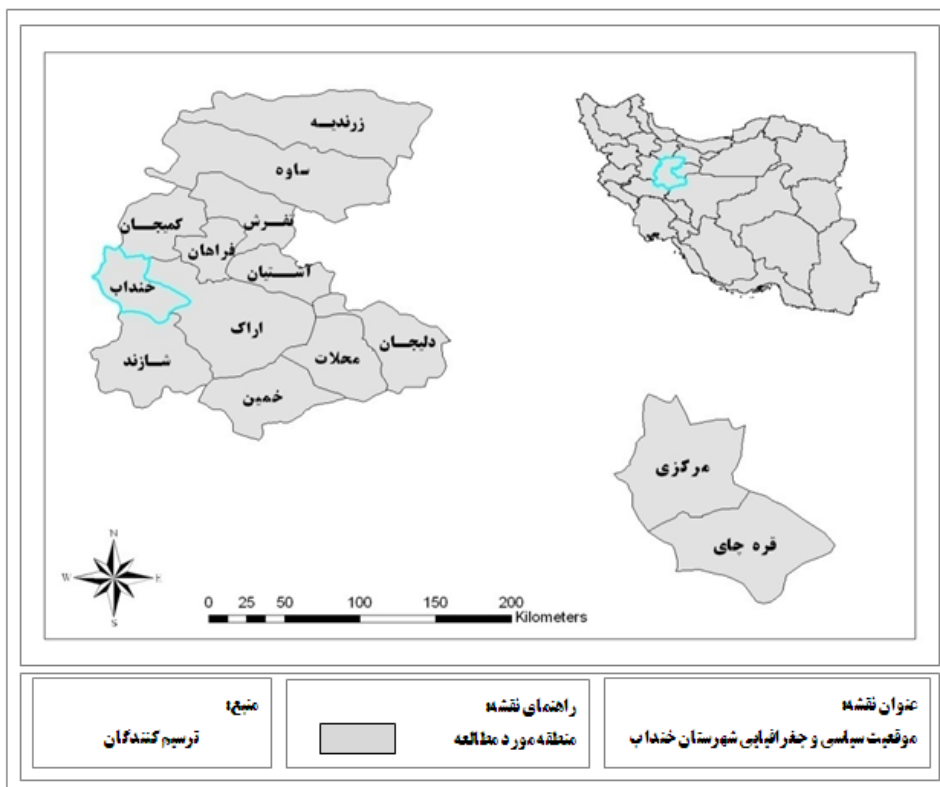
تحقیق حاضر به مبنای نظری دخالت دولت در فرایند توسعه کشاورزی به‌عنوان بخشی از اقتصاد کشور رجوع نموده و کلید درک توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی را در ویژگی‌های نهادی دولت که در سازوکارهای یک اقتصاد سیاسی خاص جاسازی شده است، نهفته می‌بیند و با تشریح رفتار سیاسی و تفکر حاکم بر توسعه کشاورزی در اقتصاد کشور، سعی در یافتن عوامل نهادی بازدارنده توسعه کشاورزی در سطح کلان دارد؛ علاوه‌براینکه از تأثیر عوامل طبیعی در توسعه کشاورزی مناطق روستایی غافل نمی‌شود و اهمیت آن در روند تحقیق لحاظ می‌گردد. تکنیک به‌کاربرده شده برای انجام پژوهش حاضر روش پیمایشی (میدانی - پرسشنامه مصاحبه‌ای) و استفاده از منابع اطلاعاتی اسنادی و کتابخانه‌ای است. محاسبات آماری این تحقیق به‌وسیله فنون تصمیم‌گیری چندمعیاره آنتروپی شانون، تاپسیس و شبکه عصبی مصنوعی و آزمون‌های آماری همبستگی اسپیرمن و فریدمن در نرم‌افزار SPSS انجام خواهد گرفت.

۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان خنداب با مساحت حدود ۱۳۶۵ کیلومتر مربع در طول جغرافیایی 40° / 15° شرقی و عرض جغرافیایی 34° شمالی واقع شده است و از شمال به شهرستان‌های کمیجان، از شرق به شهرستان‌های اراک، از جنوب به شهرستان شازند و از غرب به استان همدان محدود می‌شود. شهرستان خنداب در استان مرکزی واقع است و دارای ۲ شهر، ۲ بخش، ۵ دهستان، ۵۸۲۶۲ نفر جمعیت و ۸۱ روستا می‌باشد. براساس آمارهای موجود در جهاد کشاورزی، شهرستان خنداب دارای

بهره‌بردار در ۲۵ روستا به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده مطالعه شدند؛ افزون بر اینکه بنابر اهداف و مراحل تحقیق، ۱۸ نفر از کارشناسان دانشگاهی اعم از استادان، محققان مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و جهاد کشاورزی در پژوهش حضور دارند و جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند.

۱۰۲۴۳ خانوار کشاورزی است که ۸۵۴۴ خانوار (۸۳/۹٪) از آن مربوط به بهره‌برداران کشاورزی مناطق روستایی هستند و جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دهند. به دلیل گستردگی جامعه آماری و تعداد سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب از روش نمونه‌گیری ترکیبی چندمرحله‌ای برای تعیین حجم نمونه و تعداد روستاهای مورد نظر استفاده گردید و تعداد ۳۷۰



شکل ۱. منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

چارچوب آن توانایی‌های بهره‌برداران روستایی در جهت استفاده بهینه از منابع موجود و کنترل مؤثر بر نیروهای شکل‌دهنده نظام فعالیت کشاورزی رشد و تعالی می‌یابد. برنامه‌ریزی کشاورزی بیشتر به مسائل و مشکلات تولید و عرضه محصولات کشاورزی می‌پردازد و می‌کوشد علاوه بر در نظر گرفتن نیازهای غذایی جامعه و مسائل زیست‌محیطی، عملکرد اقتصادی کشاورزان را بهبود بخشد (شاه‌آبادی، شاه‌آبادی، صمیمی، و خراسانی، ۱۳۸۹، ص. ۳۲). موفقیت برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی تابع دو مؤلفه سرمایه‌گذاری در فرایند تولید و بهبود مکانیسم قیمتی بازار می‌باشد.

در این میان، کشاورزی فرایند طبیعی بهره‌برداری از زمین است و به عنوان یکی از بخش‌هایی است که بسیار تحت تأثیر متغیرهای طبیعی می‌باشد (جی. آی. زد، ۲۰۱۲، ص. ۱) و در

۲.۲. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های تحقیق عبارت‌اند از:

- مشکلات ناشی از خصوصیات طبیعی به عنوان عوامل بازدارنده توسعه بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب ایفای نقش می‌کند.

- عامل اصلی بازدارنده توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب الگوی رفتاری دولت در محیط برنامه‌ریزی (عوامل نهادی) می‌باشد که در استقرار نیافتن الزامات و امکانات توسعه کشاورزی در مناطق روستایی انعکاس یافته است.

۳. مبانی نظری تحقیق

توسعه کشاورزی به عنوان یک فرایند است و ناشی از گردش درآمدن برخی از ویژگی‌هایی می‌باشد که اغلب با برنامه‌ریزی همراه است (نوسسال و گودای، ۲۰۰۹، ص. ۱۲) و در

ارتباط مستقیم با منابع خاک، آب، آب‌وهوا و ترکیبات زیستی قرار دارد. مدیریت منابع طبیعی در کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد بین بهره‌برداران کشاورزی مؤثر است (شیفراو، اکلو، و ردی، ۲۰۰۹، ص. ۶۰۲) و فرصت‌های دسترسی به امکانات و تسهیلات کشاورزی را ارتقاء می‌بخشد. این درحالی است که اختلال در اکوسیستم‌های طبیعی بخش کشاورزی نیز در درازمدت تخریب منابع خاک، آلودگی منابع آب و تغییر شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی را به همراه دارد (هوآرد، ۲۰۰۸، ص. ۱۱۵) و سودآوری بخش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

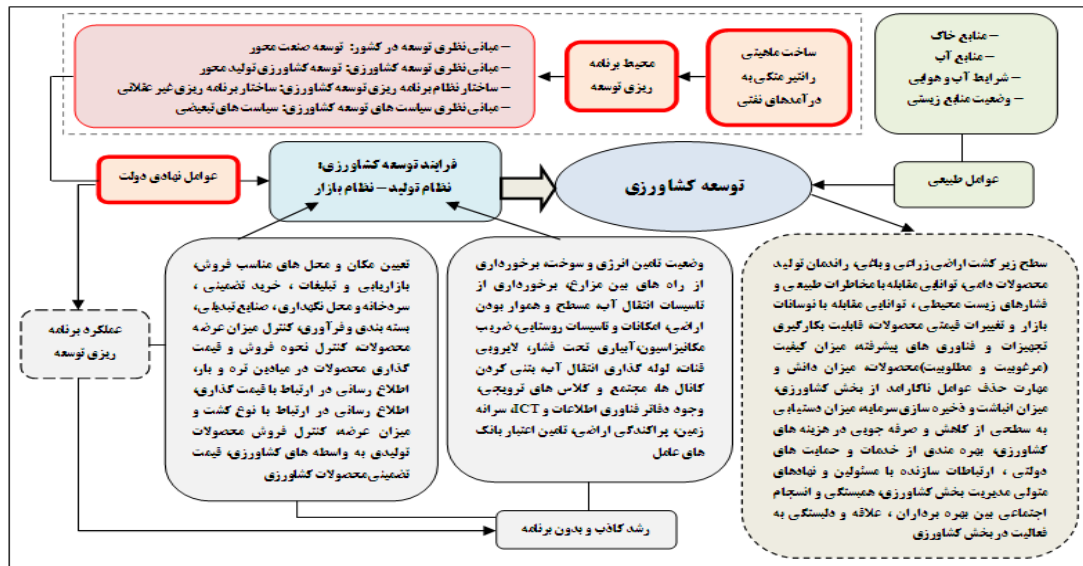
در ادبیات توسعه کشورهای در حال توسعه در مورد اهمیت دولت برای پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی توافق کلی وجود دارد و به‌عنوان یکی از نیروهایی است که نقش زیادی در فرایندهای تغییر جوامع از جمله در زمینه تغییر کشاورزی و روستایی ایفا می‌کند (شوکت‌فدایی و خلیلی، ۱۳۸۹، ص. ۲۴). این درحالی است که کارکرد دولت در بخش‌های اقتصادی همواره با نتایج و پیامدهای مثبت و مطلوبی همراه نیست و دخالت دولت در مواردی موجب ناکارآمدی و شکست برنامه‌های اقتصادی را فراهم می‌کند؛ بر همین اساس، صاحب‌نظران در تبیین این پدیده عمدتاً دو دیدگاه یا پاسخ را مطرح نموده‌اند:

➤ دیدگاهی که ناکامی برنامه‌ریزی در کشور را ناشی از عوامل فنی یا به‌عبارت‌دیگر، ناشی از اشتباهات فنی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در انتخاب اهداف و ابزار اجرای این برنامه‌ها می‌داند؛

➤ دیدگاهی که برنامه‌ریزی در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه را، نه به‌منزله تلاش آگاهانه دولت در این کشورها برای بهبود وضعیت اقتصادی خود، بلکه ابزار نوین سرمایه‌داری مسلط بر استمرار روند استثمار اقتصادهای پیرامونی یا عقب‌افتاده می‌داند.

اما به‌نظر می‌رسد دیدگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به دو دیدگاه قبل موجود باشد که براساس آن، طرح هرگونه نظریه‌ای درباره ناکامی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، در درجه اول معرف نظریه‌ای درباره رفتار دولت در کشور می‌باشد. هر نظریه‌ای که بهتر بتواند این رفتار را تبیین کند، نظریه معتبرتری درباره علل ناکامی برنامه‌ریزی در ایران خواهد بود (سلیمی، ۱۳۸۴، ص. ۱۱) و چارچوب مناسبی را برای تحلیل شکست برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی فراهم می‌آورد.

کاوش در واقعیات اقتصاد سیاسی ایران به‌ویژه در دوره زمانی پس از سال ۱۳۲۰، بیانگر این نکته است که بخش نفت و گاز با تدارک جریان مستمری از تجارت خارجی، عرضه‌کننده خون حیاتی و نیروی جلوبرنده اقتصاد کشور بوده است. در مقطع موردنظر با تبدیل شدن سیاست نفتی به قلب و محور استراتژی توسعه ایران، تمامی مشغله‌ها و سیاست‌های اقتصادی دیگر تحت تأثیر قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که تصمیمات مرتبط با مدیریت، بهره‌برداری، تولید بازاریابی و قیمت نفت همواره در رأس دستور کار اقتصاد ملی و بالاترین اولویت بوده است. مهم‌تر از همه آنکه افزایش درآمدهای نفتی باعث گردید تا دولت به‌عنوان تنها مالک و صاحب منابع و ذخایر نفتی، از طریق تخصیص عواید حاصل شده به بخش‌های مختلف اقتصادی به‌صورت برنامه‌ریزی، هدایت‌کننده و کارگزار اصلی جریان توسعه ملی کشور درآید (نوروزی، ۱۳۸۵، ص. ۸) و ماهیت دولت را در قالب حاکمیتی رانتیر قرار دهد. وقتی سخن از دولت‌های رانتیر و بررسی رابطه گفتمان آن‌ها با عملکرد اقتصادیشان به میان می‌آید، مهم‌ترین نکته در میزان وابستگی به این نوع از درآمدها است. با مشاهده این نوع سخن از دولت‌ها که در مناطقی مانند خاورمیانه و آفریقا شاهد آن هستیم، درمی‌یابیم که با توجه به ماهیتی نسبتاً اقتدارگرا که در بسیاری از این دولت‌ها وجود دارد، همگی در یک نکته مشترک هستند و آن این است که با بالارفتن درآمدها گفتمان این دولت‌ها به سوی ماهیت اصلی؛ یعنی اقتدارگرایی بیشتر میل می‌کند و عملکردشان در حوزه اقتصاد سیاسی به سمت تصمیم‌گیری‌های غیرعقلانی سوق می‌یابد (شیرخانی و خوش‌گفتار لامع، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۹). بخشی از این تصمیمات غیرعقلانی در چگونگی تلقی برنامه‌ریزان از توسعه و توسعه کشاورزی رسوخ می‌کند و بخشی دیگر بر ساختار نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌های اجرایی توسعه کشاورزی مستولی می‌گردد. نهادینه‌شدن چنین ساختاری در نهایت به استقرار نیافتن الزامات توسعه در بخش‌های تولیدی منجر می‌شود و خلأ این الزامات در بخش‌های تولیدی به‌عنوان عوامل بازدارنده توسعه معرفی می‌گردند که معلول الگوی رفتاری دولت‌های رانتیر در محیط برنامه‌ریزی توسعه می‌باشند.



شکل ۲. چارچوب مفهومی و عملیاتی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نتایج به دست آمده از روش آنتروپی شانون نشان می‌دهد میانگین وزنی شاخص‌های تعیین سطح توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب، ۰/۰۳۰ است و با سطح ایده‌آل ۱ فاصله بسیار زیادی دارد؛ بنابراین، میزان توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب در سطح پایینی ارزیابی می‌شود.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. بررسی وضعیت توسعه کشاورزی در سکونتگاه‌های

روستایی شهرستان خنداب

سنجش و ارزیابی میزان توسعه کشاورزی، در سطح ۱۴ شاخص و ۲۵ سکونتگاه روستایی در شهرستان خنداب است.

جدول ۱. اهمیت اوزان شاخص‌های توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

اهمیت اوزان	گویه‌های تعیین سطح توسعه کشاورزی
۰/۰۴۴۴	سطح زیرکشت اراضی زراعی و باغی (دیمی و آبی)
۰/۰۶۱۹	راندمان تولید محصولات زراعی و باغی
۰/۰۳۵۰	راندمان تولید محصولات دامی
۰/۰۲۵۹	توانایی مقابله با مخاطرات طبیعی و فشارهای زیست‌محیطی در بخش کشاورزی
۰/۰۲۶۶	توانایی مقابله با نوسانات بازار و تغییرات قیمتی محصولات کشاورزی
۰/۰۲۵۶	قابلیت به‌کارگیری تجهیزات و فناوری‌های پیشرفته در بخش کشاورزی
۰/۰۲۳۲	میزان کیفیت (مرغوبیت و مطلوبیت) محصولات کشاورزی
۰/۰۲۴۸	میزان دانش و مهارت حذف عوامل ناکارآمد از بخش کشاورزی
۰/۰۲۶۰	میزان انباشت و ذخیره‌سازی سرمایه در بخش کشاورزی
۰/۰۲۴۲	میزان دستیابی به سطحی از کاهش و صرفه‌جویی در هزینه‌های کشاورزی
۰/۰۲۴۵	میزان بهره‌مندی از خدمات و حمایت‌های دولتی در بخش کشاورزی
۰/۰۲۳۷	میزان ارتباطات سازنده با مسئولین و نهادهای متولی مدیریت بخش کشاورزی
۰/۰۲۳۰	میزان همبستگی و انسجام اجتماعی بین بهره‌برداران کشاورزی
۰/۰۲۳۱	میزان علاقه و دلبستگی به فعالیت در بخش کشاورزی

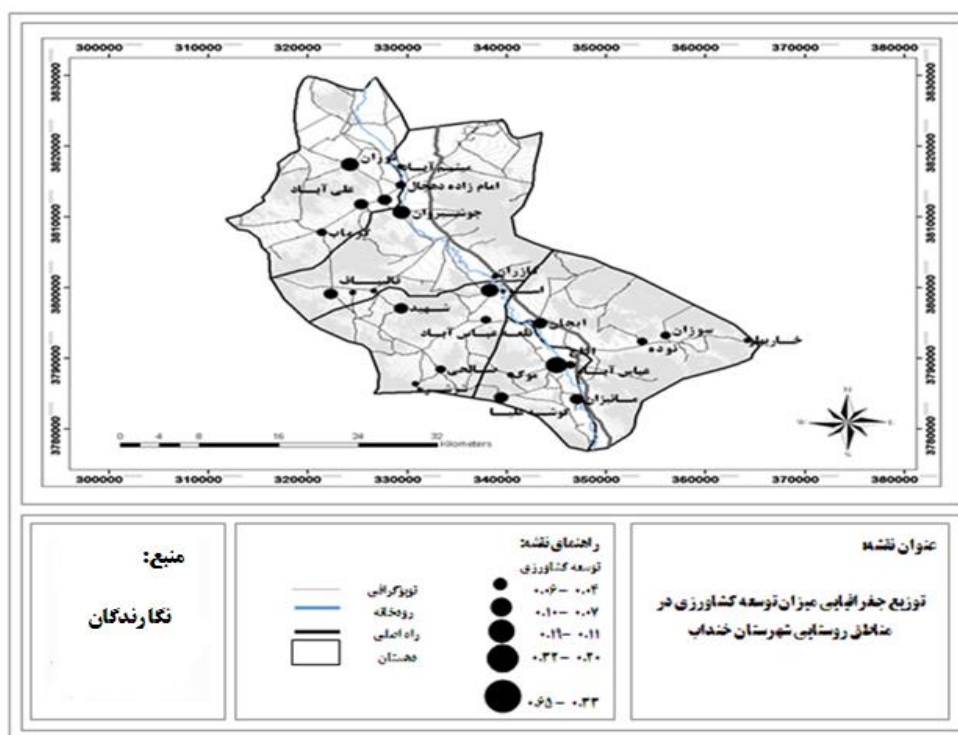
توسعه کشاورزی از حد ایده‌آل ضریب ۱ در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب است.

نتایج به دست آمده از تکنیک تاپسیس برای سطح‌بندی توسعه بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب، میانگین ۰/۱۴۶ را نشان می‌دهد و بیانگر فاصله زیاد عملکرد

جدول ۲. وضعیت توسعه بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نام آبادی	نزدیکی نسبی	نام آبادی	نزدیکی نسبی
مانیزان	۰/۱۶۲	علی آباد	۰/۱۹۴
اناج	۰/۶۴۹	فوران	۰/۳۱۹
عباس آباد	۰/۰۸۹	گرماب	۰/۰۹۱
گوشه‌علیا	۰/۱۶۱	استوه	۰/۲۴۷
موک	۰/۰۴۱	قلعه عباس آباد	۰/۱۰۲
گازران	۰/۰۵۰	شرشره	۰/۰۵۵
جوشیروان	۰/۲۸۷	شهید	۰/۱۳۵
میثم آباد	۰/۰۴۷	صالحی	۰/۰۸۳
حاجی آباد	۰/۰۴۷	ایجان	۰/۱۸۳
قزل قلعه	۰/۰۴۷	نوده	۰/۰۸۹
قالیباف	۰/۱۴۸	سوزان	۰/۰۹۵
امامزاده دهچال	۰/۱۰۳	خارپهلو	۰/۰۵۷
حسین آباد	۰/۱۷۹	جمع	۰/۱۴۶



شکل ۳. نقشه توزیع جغرافیایی سطح توسعه کشاورزی در مناطق روستایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۲.۴. ارزیابی توان طبیعی بخش کشاورزی در شهرستان خنداب

به‌طور کلی، ویژگی‌های طبیعی دخیل در فعالیت کشاورزی مربوط به منابع خاک، آب، شرایط آب‌وهوایی و عوامل زیستی می‌شود.

منابع خاک: در مطالعات صورت گرفته و بازخوانی نقشه‌های خاک‌شناسی، بافت خاک شهرستان خنداب لوم رسی - شنی (Sandy - clay - loam) و در طبقه ۷ مثلث بافت خاک قرار می‌گیرد. طبقه لوم رسی - شنی یکی از بهترین انواع بافت‌های خاکی برای فعالیت باغبانی در بخش کشاورزی محسوب

می‌شود. عمق خاک کشاورزی در شهرستان خنداب بیش از ۱۲۰ سانتیمتر است و بهترین شرایط را در صورت فراهم آوردن سایر نهاده برای فعالیت کشاورزی دارا می‌باشد. این عمق از خاک‌ها توان زیادی برای نگهداری رطوبت دارند. میزان شوری خاک در شهرستان خنداب کوچک‌تر از ۱/۵ در واحد دسی زیمنس بر متر است که در طبقه‌بندی خاک‌های شور جزو گروه غیرشور قرار می‌گیرد و اثر آن در کاهش محصول ناچیز است. میزان کربن آلی خاک در شهرستان خنداب ۱/۵٪ است و جزو خاک‌هایی با مقدار مواد آلی زیاد محسوب می‌شود. فرسایش خاک در شهرستان خنداب بنابر مطالعات انجام‌شده و نظرات کارشناسی، ۱۱ تن در هکتار می‌باشد و از متوسط کشوری بالاتر است. بیشتر زمین‌های شهرستان خنداب در کلاس اراضی ۲ و ۳ توزیع شده‌اند که دارای محدودیت متوسط و تا حدودی زیاد برای انجام فعالیت کشاورزی هستند که با تأمین به‌موقع آب و اجرای عملیات خاک‌ورزی مطلوبیت لازم را برای کشت پیدا می‌کنند.

منابع آب: براساس گزارش‌های دفتر مطالعات پایه منابع آب ایران، بلوک شراء (شهرستان خنداب) دارای ۴۸۶ میلیون مترمکعب جریان ورودی و ۴۹۸ میلیون مترمکعب جریان خروجی و انتقالی در سال است که تغییر آبخوان آبرفتی در این منطقه ۱۲- می‌باشد. برآورد برداشت فعلی از منابع آب در این حوزه آبریز ۲۳۱ میلیون مترمکعب است که مقدار مجاز آن ۱۷۷ میلیون مترمکعب می‌باشد. به‌طور نسبی، وضعیت بیلان منابع آب در شهرستان خنداب و حوزه آبریز شراء در شرایط مطلوبی قرار دارد. این درحالی است که بسیاری از دشت‌های استان مرکزی در شرایط بحرانی به‌سر می‌برند و از این حیث شهرستان خنداب وضعیت بسیار مناسبی نسبت به سایر شهرستان‌های استان دارد. براساس مطالعات صورت‌گرفته، کیفیت آب کشاورزی شهرستان خنداب در ردیف ۲ طبقه‌بندی ویلکوکس و کلاس آبی C2S1 قرار دارد که کمی شور است و برای مصرف در بخش کشاورزی تقریباً مناسب می‌باشد.

شرایط آب‌وهوایی: ساختار اهمیت اوزان شاخص‌های شرایط آب‌وهوایی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب تداعی-کننده خصوصیات آب‌وهوایی مناطق نیمه‌خشک است که متغیربودن اقلیم و تنش‌های غیرزنده، به‌ویژه خشکی و سرما از جمله خصوصیات بارز این مناطق به‌شمار می‌آیند. یکی از عوامل مهم در این ارتباط میزان تبخیر و تعرق در بخش کشاورزی است. تبخیر و تعرق تابعی از شرایط آب‌وهوایی است

و از آنجایی که در مناطق اقلیمی نیمه‌خشک میزان بارش و رطوبت نسبی هوا کم می‌باشد، سطح تبخیر و تعرق بالا می‌رود. در این بین، میزان تبخیر و تعرق در منطقه خنداب با ۳۵۷ میلیمتر در سال رقم بالایی را نشان می‌دهد و خود را به‌عنوان عامل مهمی در کنترل چرخه‌های هیدرولوژی و مدیریت منابع آب معرفی می‌نماید. متوسط بارندگی در شهرستان خنداب به ۲۸۲/۱۹ میلیمتر در سال می‌رسد که منعکس‌کننده ویژگی‌های اقلیم نیمه‌خشک است و پایین‌بودن میزان بارش در این منطقه را نشان می‌دهد. بنابر خصوصیات اقلیمی، بیشتر این مقدار از بارش نیز در فصول سرد و غیرزرعی است و مورد استفاده کشاورزان نمی‌باشد. این درحالی است که بنابر ویژگی‌های مکانی، متوسط درجه حرارت سالیانه دما با میانگین ۱۳/۲۸ درجه در حد پایینی است و اگرچه جوانه‌زدن بذرها و رشد گیاهان را به‌تعویق می‌اندازد، اما در کنترل مطلوب فرایند سوخت‌وساز و متابولیسم شیمیایی گیاه مؤثر واقع می‌شود. بهترین میزان رطوبت نسبی برای جوانه‌زدن و رشد گیاه ۷۰-۸۰ درصد است و در رطوبت کمتر از ۴۰٪ و بیشتر از ۹۵٪ جوانه‌زدن و رشد گیاه متوقف می‌شود. از این حیث، میزان رطوبت نسبی در شهرستان خنداب در حد نسبتاً مطلوبی با میانگین ۵۱/۰۱٪ می‌باشد. در مورد رطوبت نسبی باید گفت که جاری‌بودن رودخانه قره‌چای و ویژگی‌های توپوگرافیک منطقه نقش بسزایی در ایجاد این میزان رطوبت ایفا می‌کنند. به‌طور کلی، وجود ۱۸۰ روز بدون یخبندان جهت کشت مطلوب تقریباً برای تمام گیاهان زراعی و انجام فعالیت باغبانی لازم می‌باشد. شهرستان خنداب با میزان ۱۰۹ روز یخبندان از طول فصل رشد مناسبی برخوردار است. متوسط ارتفاع ۱۶۵۰ متر از سطح دریا، شرایط توپوگرافیک و دمایی مناسبی را برای انجام فعالیت‌های زراعی و باغبانی فراهم آورده است. سنجش سرعت باد با مقیاس ملایم ۶۲/۹۲ نات گویای مساعدبودن این ویژگی در شهرستان خنداب می‌باشد و کمترین اثر را در کاهش میزان رطوبت خاک و فرسایش دارد.

عوامل زیستی: در بخش زراعت و به‌ویژه محصول گندم، همه‌ساله با شیوع بیماری «سن» کیفیت و راندمان محصول پایین می‌آید. قسمت اعظم باغ‌های منطقه از جمله باغ‌های انگور به بیماری زنجره مو یا جیرجیرک دچار هستند و در باغ‌های هلو و شلیل نیز شیوع بیماری شته و سوسک سرشاخه‌خوار مشهود است. در بخش دامداری با تمهیدات صورت‌گرفته و کنترل‌های موجود سازمان دامپزشکی کشور و معاونت فعال آن در

منطقه، وضع طور دیگری است و گستره بیماری‌ها به صورت مقطعی و در سطح محدودی می‌باشد. در این میان، می‌توان از بیماری‌های شایع دامی در شهرستان خنداب به موارد تب برفکی، برسلوز یا تب مالت، قلوه نرمی یا آنترتوکسمین و سل اشاره کرد.

۳.۴. بررسی وضعیت عوامل نهادی دولت و عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی

بررسی وضعیت عوامل نهادی دولت در بخش کشاورزی در سطح ۱۴ شاخص و ۱۸ کارشناس دانشگاهی اعم از استادان، محققان مرکز تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی و جهاد کشاورزی نشان می‌دهد که میانگین مطلوبیت الگوی رفتاری دولت در محیط برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در طیف ۶ گزینه‌ای پرسشنامه‌ها (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱، اصلاً=۰) ۱/۸۰ است که از میانه نظری ۳ پایین‌تر است و وضعیت مناسبی ندارد.

جدول ۳. امتیاز گوی‌های عوامل نهادی دولت در محیط برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

میانگین	گویه	بعد
۱/۱۳	انتکا بر رویکرد سیستمی در برنامه‌ریزی توسعه و اتخاذ روش‌شناسی روشن در ایجاد کارکردی موزون بین بخش‌های اقتصادی (صنعت، کشاورزی و خدمات)	مبانی نظری برنامه-ریزی توسعه در کشور
۱/۷۵	توجه به قابلیت ویژه بخش کشاورزی به‌عنوان پایه تحرک و زیربنای توسعه سایر بخش‌های اقتصادی کشور (صنعت و خدمات)	
۱/۷۵	توجه به تخصیص عادلانه امکانات و الزامات توسعه بین بخش‌های مختلف اقتصادی در کشور (صنعت، کشاورزی و خدمات)	
۱/۸۸	توجه به بخش کشاورزی به‌عنوان یک روش زندگی و نه تولید و لحاظ کردن کارکردهای انسانی و محیطی	مبانی نظری برنامه-ریزی توسعه کشاورزی
۲	ارتباط منطقی و همگرایی‌های لازم بین فعالیت‌های گوناگون بخش کشاورزی و فضاهای روستایی	
۲/۵۰	تعریفی روشن از مفهوم، ابعاد و ویژگی‌های توسعه کشاورزی در نظام برنامه‌ریزی کشور	ساختار نظام برنامه-ریزی توسعه کشاورزی
۱/۸۸	برخورداری از نظام آماری و اطلاعاتی متنقن برای اطمینان از نتایج برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی	
۱/۷۵	برخورد کارشناسی و علمی با اهداف و روش‌های مدیریت نظام برنامه‌ریزی کشاورزی	
۱/۱۳	میزان مشارکت کشاورزان، تشکل‌های کشاورزی و بخش خصوصی در فرایند طراحی، اجرا، نظارت و ارزش‌یابی برنامه‌های عمرانی و توسعه	
۱/۷۵	تبعیت نظام بودجه و اعتبارات از محتوای برنامه‌های مصوب در زمینه برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی	
۲/۵۰	برخورداری از قابلیت و ظرفیت‌های لازم برای اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های تدوین شده در بین سازمان‌ها و دستگاه‌های متولی مدیریت	
۱/۶۳	رعایت حقوق تولیدکننده نسبت به مصرف‌کننده در تدوین و طراحی سیاست‌های کشاورزی	مبانی نظری سیاست‌های توسعه کشاورزی
۲	تمایل به پیاده‌سازی اصول علمی در عرصه سیاست‌گذاری کشاورزی و توجه به بخش تحقیقات و آموزش	
۱/۶۳	توجه به کارآیی و اثربخشی سیاست‌های اتخاذشده در بخش کشاورزی	

انعکاس چنین رفتاری در عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی مناطق روستایی قابل پیگیری است. در این ارتباط، سنجش و ارزیابی میزان عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی، در سطح ۲۷ شاخص و ۲۵ سکونتگاه روستایی در شهرستان خنداب می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از تکنیک آنتروپی شانون حاکی از آن است که میانگین وزنی شاخص‌های تعیین عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی شهرستان خنداب، ۰/۱۹ است و با سطح ایده‌آل ۱ فاصله بسیار زیادی دارد؛ بنابراین، عملکرد

برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب در سطح پایینی ارزیابی می‌شود. در این میان، وضعیت عمومی شاخص‌های سرمایه‌گذاری دولت در فرایند تولید بخش کشاورزی شهرستان خنداب با میانگین ۰/۲۸ و فاصله زیاد از حد ایده‌آل بیانگر این است که سرمایه‌گذاری مطلوبی در بخش‌های مختلف کشاورزی صورت نگرفته و بسیاری از الزامات توسعه در عرصه تولید ایجاد نشده است.

جدول ۴. اهمیت اوزان مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری دولت در بخش تولید و بازار کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

وزن	گویه	مؤلفه	بعد
۰/۰۲۷	وضعیت تأمین انرژی و سوخت	تأسیسات زیربنایی	بازار تولید
۰/۰۱۵	برخورداری از راه‌های بین مزارع		
۰/۰۳۴	برخورداری از تأسیسات انتقال آب		
۰/۰۱۱	مسطح و همواربودن اراضی کشاورزی		
۰/۰۲۳	امکانات و تأسیسات روستایی		
۰/۰۱۶	ضریب مکانیزاسیون کشاورزی	انتشار نوآوری	
۰/۰۳۵	آبیاری تحت فشار (هکتار)	بهره‌وری آب	
۰/۰۴۰	لاپروبی قنات (متر)		
۰/۰۳۸	لوله‌گذاری انتقال آب (متر)		
۰/۰۵۹	بتنی کردن کانال‌ها (متر)	آموزش و ترویج	
۰/۰۳۵	مجتمع و کلاس‌های ترویجی		
۰/۰۲۴	وجود دفاتر فناوری اطلاعات و ICT		
۰/۰۱۴	سرانه زمین	اصلاح ساختار	
۰/۰۱۱	پراکندگی زمین‌های کشاورزی	زمین	
۰/۰۴۶	تأمین اعتبار بانک‌های عامل	جذب سرمایه	
۰/۰۱۱۳	تعیین مکان و محل‌های مناسب فروش	بازاررسانی و بازاریابی	
۰/۰۱۱۳	بازاریابی و تبلیغات محصولات کشاورزی		
۰/۰۱۱۵	خرید تضمینی محصولات کشاورزی		
۰/۰۴۶۸	سردخانه و محل نگهداری محصولات		
۰/۰۴۶۸	صنایع تبدیلی		
۰/۰۱۲۲	بسته بندی و فرآوری محصولات کشاورزی		

که نتیجه آن دست‌نیافتن بهره‌بردار به زحمت واقعی خود و بی-اثر بودن اقدامات صورت‌گرفته در زمینه ارتقای بهره‌وری شاخص‌های بخش تولید است.

اهمیت اوزان شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار محصولات کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب با میانگین ۰/۰۱۱ و فاصله زیاد از حد ایده‌آل نشان‌دهنده وضعیت نامساعد عملکرد برنامه‌ریزی توسعه دولت در این زمینه است

جدول ۵. اهمیت اوزان شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار در شهرستان خنداب

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

وزن	گویه	بعد
۰/۰۱۱۳	کنترل میزان عرضه محصولات کشاورزی	تنظیم ترتیبات قیمتی بازار
۰/۰۱۱۳	کنترل نحوه فروش و قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی در میدین تره‌وبار	
۰/۰۱۱۷	اطلاع‌رسانی در ارتباط با قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی	
۰/۰۱۱۸	اطلاع‌رسانی در ارتباط با نوع کشت و میزان عرضه محصولات کشاورزی	
۰/۰۱۱۹	کنترل فروش محصولات تولیدی به واسطه‌های کشاورزی	
۰/۰۱۱۴	قیمت تضمینی محصولات کشاورزی	

ارزیابی نقش ابعاد طبیعی بر ارتقای عملکرد بخش کشاورزی در سطح ۱۸ شاخص و ۱۸ کارشناس دانشگاهی نشان می‌دهد

۴.۴. ارزیابی نقش ابعاد طبیعی بر ارتقای عملکرد بخش کشاورزی در شهرستان خنداب

میانگین پتانسیل اکولوژیک و زیستی در طیف ۶ گزینه‌ای و در وضعیت نسبتاً مناسبی تخمین زده می‌شود و در ارتقای پرسشنامه‌ها (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، متوسط=۳، کم=۲، خیلی کم=۱، اصلاً=۰) ۳/۶۴ است که از میانه نظری ۳ بالاتر می‌باشد. توان بخش کشاورزی نقش مؤثری می‌تواند داشته باشد.

جدول ۶. توان طبیعی شهرستان خنداب در بخش کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

میانگین ن	توان اکولوژیک	مؤلفه	بعد
۳/۹۰	۴	بافت خاک	ک
	۴/۶۴	عمق خاک	
	۴/۴۰	شوری خاک	
	۳/۳۲	مواد آلی خاک	
	۳/۴۰	فرسایش خاک	
	۳/۶۴	کلاس اراضی	
۳/۶۸	۳/۲۴	بیان آب	ج
	۳/۴۴	نیاز آبی گیاه	
	۴/۳۶	کیفیت آب	
۳/۵۱	۳/۵۶	ارتفاع از سطح دریا	ز
	۳/۵۶	تعداد روزهای یخبندان	
	۳/۵۲	درجه حرارت	
	۳/۴۴	میزان بارش	
	۳/۰۸	تبخیر	
	۳/۵۶	رطوبت نسبی	
	۳/۸۸	سرعت باد	
۳/۲۸	۱/۸۸	میزان آفت‌زدگی محصولات کشاورزی	ز
	۴/۶۸	میزان شیوع بیماری‌های دامی	

برای تحلیل اهمیت نسبی هریک از ابعاد طبیعی بر ارتقای بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب از تکنیک شبکه عصبی مصنوعی استفاده گردید. در نتایج به- دست آمده از آنالیز حساسیت در تکنیک شبکه عصبی مصنوعی منابع خاک (۱/۰۹۴)، منابع زیستی (۱/۰۵۲)، منابع آب (۱/۰۲۰) و شرایط آب‌وهوایی (۱/۰۰۵) به ترتیب بیشترین حساسیت را بر میزان توسعه کشاورزی دارند.

جدول ۷. ضرایب آنالیز حساسیت برای بررسی تأثیر معیارهای طبیعی بر سطح توسعه کشاورزی و تعیین اهمیت نسبی آنها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه	ضریب همبستگی (اسپیرمن)	معناداری (۲ دامنه)
تأسیسات زیربنایی و توسعه کشاورزی	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰
انتشار نوآوری و توسعه کشاورزی	۰/۰۴۱	۰/۳۹۸
بهره‌وری آب و توسعه کشاورزی	۰/۰۵۶	۰/۳۵۲
آموزش و ترویج و توسعه کشاورزی	۰/۶۷۰	۰/۰۰۰
اصلاح ساختار زمین و توسعه کشاورزی	۰/۰۳۴	۰/۴۷۰
جذب سرمایه از بانک‌های عامل و توسعه کشاورزی	۰/۴۳۸	۰/۰۰۲
بازاررسانی و بازاریابی و توسعه کشاورزی	۰/۰۳۱	۰/۵۶۸

به‌طور کلی، چنین وضعیتی گویای حاکمیت شرایط آب-وهوایی نیمه‌خشک در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب است که تابعی از الگوی اقلیمی غالب بر بخش کشاورزی در کشور است. متغیر بودن اقلیم و تنش‌های غیرزنده به‌ویژه خشکی و سرما از جمله خصوصیات بارز این مناطق به-شمار می‌آیند. یکی از عوامل مهم در این ارتباط میزان تبخیر و تعرق در بخش کشاورزی است. تبخیر و تعرق تابعی از شرایط آب‌وهوایی است و از آنجایی که در مناطق اقلیمی نیمه‌خشک میزان بارش و رطوبت نسبی هوا کم است، سطح تبخیر و تعرق نیز بالا می‌رود. شهرستان خنداب در شرایط اقلیمی نیمه‌خشک قرار دارد و متغیر بودن اقلیم و تنش‌های غیرزنده به‌ویژه خشکی و سرمای همراه با میزان بارش کم و رطوبت نسبی پایین از خصوصیات بارز این مناطق است؛ اما ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافیک شهرستان به‌گونه‌ای است که تأثیر بسیاری از این محدودیت‌ها در بخش کشاورزی کمتر خواهد نمود. در واقع،

محصور بودن دشت‌های کشاورزی به‌وسیله ارتفاعات شرایطی را به‌وجود آورده است که بیشتر روان‌آب‌های بارشی هرز، آب‌های موجود ذخیره و آب‌خوان‌های منطقه را تغذیه کنند؛ علاوه-براینکه، جاری بودن رودخانه قره‌چای در شهرستان در افزایش رطوبت نسبی و کاهش تبخیر مؤثر است.

۵.۴. تحلیل همبستگی و مقایسه اهمیت نسبی ابعاد و مؤلفه‌های نهادی با توسعه کشاورزی

نتایج آزمون همبستگی با ضریب ۰/۸۲۱ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ نشان‌دهنده رابطه سرمایه‌گذاری‌های دولتی در بخش-های مختلف فرایند تولید با توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب است.

جدول ۸. آزمون همبستگی ارتباط سرمایه‌گذاری دولتی در

فرایند تولید با توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

معناداری (۲ دامنه)	ضریب همبستگی (اسپیرمن)	بعد
۰/۰۰۰	۰/۸۲۱	ارتباط سرمایه‌گذاری دولتی در فرایند تولید و توسعه کشاورزی

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون همبستگی در سطح مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری دولت در فرایند تولید بخش کشاورزی نشان می‌دهد بجز ارتباط مستقیم مؤلفه‌های تأسیسات زیربنایی، آموزش، ترویج و جذب سرمایه از بانک‌های عامل با میزان توسعه کشاورزی به‌ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۴۹۱، ۰/۶۷۰ و ۰/۴۳۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۲، بقیه مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری دولت در فرایند تولید با میزان توسعه کشاورزی مرتبط نیستند.

جدول ۹. آزمون همبستگی ارتباط سرمایه‌گذاری دولتی در فرایند تولید با توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

مؤلفه	ضریب همبستگی (اسپیرمن)	معناداری (۲ دامنه)
تأسیسات زیربنایی و توسعه کشاورزی	۰/۴۹۱	۰/۰۰۰
انتشار نوآوری و توسعه کشاورزی	۰/۰۴۱	۰/۳۹۸
بهره‌وری آب و توسعه کشاورزی	۰/۰۵۶	۰/۳۵۲
آموزش و ترویج و توسعه کشاورزی	۰/۶۷۰	۰/۰۰۰
اصلاح ساختار زمین و توسعه کشاورزی	۰/۰۳۴	۰/۴۷۰
جذب سرمایه از بانک‌های عامل و توسعه کشاورزی	۰/۴۳۸	۰/۰۰۲
بازاررسانی و بازاریابی و توسعه کشاورزی	۰/۰۳۱	۰/۵۶۸

صص. ۱۸۱-۱۸۰) و به میزان بهره‌وری و سودآوری آن کاری ندارد. در چنین حالتی، اعتبارات تخصیص داده‌شده به جای اینکه براساس نیاز و کارایی‌ها پرداخت شوند، براساس منافع سیاسی و پاداش برای محبت‌ها توزیع می‌شود (شادی‌طلب، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۱). وضعیت کنترل و تنظیم ترتیبات قیمتی بخش بازار با میانگین ۰/۰۱۱۵ نشان‌دهنده شرایط نامناسب بازار محصولات کشاورزی در شهرستان خنداب است. نتایج آزمون همبستگی با ضریب ۰/۵۲۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ بیانگر ارتباط معکوس تنظیم ترتیبات قیمتی بازار و توسعه بخش کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی شهرستان خنداب است. این نتیجه نشان می‌دهد هرچه مداخله دولت در تنظیم ترتیبات قیمتی بازار بیشتر باشد، به همان میزان توسعه کشاورزی کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰. آزمون همبستگی ارتباط تنظیم ترتیبات قیمتی بازار با توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

معناداری (۵۲دانه)	ضریب همبستگی (اسپیرمن)	بعد
۰/۰۰۰	-۰/۵۲۵	ارتباط تنظیم ترتیبات قیمتی بازار و توسعه کشاورزی

مختلف سرمایه‌گذاری دولت در فرایند تولید تفاوت معناداری وجود دارد و شرایط یکسانی ندارند.

نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فریدمن با ضریب ۱۷/۴۵ و سطح معناداری ۰/۰۰۸ نشان می‌دهد بین میانگین‌های ابعاد

جدول ۱۱. تفاوت میانگین‌های سرمایه‌گذاری دولتی در فرایند تولید

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۱۷/۴۵	ضریب مربع کای (کای اسکوئر)
۶	درجه آزادی
۰/۰۰۸	سطح معناداری
۲۵	تعداد

(۱/۰۰۱)، بهره‌وری آب (۰/۹۹۹)، اصلاح ساختار زمین (۰/۹۸۹) و بازاررسانی و بازاریابی (۰/۹۸۴) به ترتیب بیشترین حساسیت را بر میزان توسعه کشاورزی دارند.

براساس نتایج به‌دست‌آمده از آنالیز حساسیت در تکنیک شبکه عصبی مصنوعی، عوامل جذب سرمایه (۱/۳۹۵)، آموزش و ترویج (۱/۳۱۴)، تأسیسات زیربنایی (۱/۰۸۵)، انتشار نوآوری

جدول ۱۲. ضرایب آنالیز حساسیت برای بررسی تأثیر معیارها بر توسعه کشاورزی در فرایند تولید و تعیین اهمیت نسبی آن‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

ضریب آنالیز حساسیت	عوامل تأثیرگذار	عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی و مؤلفه‌های تأثیرگذار در فرایند تولید
۱/۳۹۵	جذب سرمایه از بانک‌های عامل	
۱/۳۱۴	آموزش و ترویج	
۱/۰۸۵	تأسیسات زیربنایی	
۱/۰۰۱	انتشار نوآوری	
۰/۹۹۹	بهره‌وری آب	
۰/۹۸۹	اصلاح ساختار زمین	
۰/۹۸۴	بازاررسانی و بازاریابی	

نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن با ضریب $1/33$ و سطح معناداری $0/931$ نشان می‌دهد بین میانگین شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار تفاوت معناداری وجود ندارد و بر میزان توسعه کشاورزی تأثیر یکسانی ندارند.

جدول ۱۳. تفاوت میانگین‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

۱/۳۳	ضریب مربع کای (کای اسکوتر)
۵	درجه آزادی
۰/۹۳۱	سطح معناداری
۲۵	تعداد

بنابر استدلال‌های نظری انتظار می‌رود بین عوامل نهادی دولت و میزان توسعه کشاورزی، از طریق استقرار مجموعه‌ای از امکانات و ظرفیت‌های تولیدی و بازار در بخش کشاورزی مناطق روستایی رابطه معناداری برقرار است و همبستگی‌های لازم وجود دارد.

جدول ۱۴. آزمون همبستگی ارتباط عوامل نهادی دولت و میزان توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

نوع ارتباط	معناداری (۲ دامنه)	ضریب همبستگی (اسپیرمن)	مؤلفه
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۵۸۴	عوامل نهادی دولت و توسعه کشاورزی

این شهرستان به صورت کاذب و ناشی از انحراف دولت از کارکردهای اصلی خود است. یکی از عمده‌ترین توجیحات منطقی انحراف نقش کارکردی دولت در کشورهای صادرکننده نفت و به طور مشخص ایران، این است که دولت درآمد هنگفتی را بدون زحمت دریافت کرده است و بایستی به نحوی آن را هزینه نماید (نجفی، ۱۳۸۴، ص. ۱). در مجموع، نتایج به دست آمده از آنالیز حساسیت در تکنیک شبکه عصبی مصنوعی نیز مؤید صحت آزمون فرضیه‌های تحقیق هستند. در این میان، مقدار ضریب آنالیز حساسیت برای عوامل طبیعی $0/99$ و برای عوامل نهادی $0/84$ به دست آمده است که بیانگر برتری تأثیرگذاری عوامل طبیعی بر میزان توسعه بخش کشاورزی است.

بر اساس جدول بالا، مقدار آماره آزمون $0/000$ کمتر از $0/05$ در سطح اطمینان 95% است که نشان می‌دهد هرچه مطلوبیت فضای تصمیم‌گیری دولتی موجب استقرار امکانات و ظرفیت‌های تولید و بازار در بخش کشاورزی شود، میزان توسعه کشاورزی نیز ارتقا می‌یابد؛ یعنی، هرچه محیط برنامه‌ریزی و نظام تصمیم‌گیری دولت از کارایی لازم برای استقرار امکانات و ظرفیت‌های تولید و بازار در بخش کشاورزی برخوردار باشد، به همان میزان سطح توسعه در بخش کشاورزی بالا می‌رود. این در حالی است که وضعیت بخش کشاورزی در شهرستان خداب به گونه‌ای است که قادر به ایفای نقش خود در ساختار اقتصادی مناطق روستایی نیست و اقدامات صورت گرفته جواب‌گوی ظرفیت‌های واقعی بخش کشاورزی در این منطقه نیستند. در واقع، همبستگی عوامل نهادی دولت و توسعه کشاورزی در

جدول ۱۵. ضرایب آنالیز حساسیت برای بررسی تأثیر معیارها بر سطح توسعه کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۲

ضریب آنالیز حساسیت	عوامل تأثیرگذار	عوامل تأثیرگذار بر توسعه کشاورزی
۰/۹۹	طبیعی	
۰/۸۴	نهادی	

مدیریت دولتی قرار دارد و مبتنی بر کارکردهای درونی خود اداره می‌شود. در این ارتباط، شوکت‌فدایی و خلیلی (۱۳۸۹) در کتاب سیاست کشاورزی به اهمیت این نتیجه‌گیری پرداخته‌اند. در کتاب یادشده تصریح شده است که فرایند توسعه کنش دولت را در بردارد. در ادبیات توسعه کشورهای جهان سوم

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه وضعیت کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی به گونه‌ای است که نهاد دولت کمترین دخالت در برنامه‌ریزی و هدایت بخش دارد. در واقع، بخش کشاورزی خارج از حوزه

در مورد اهمیت دولت برای پیشبرد فرایند توسعه اقتصادی توافق کلی وجود دارد و به‌عنوان یکی از نیروهای است که نقش زیادی در تغییر جوامع از جمله در زمینه تغییر کشاورزی و روستایی ایفا می‌کند؛ از این رو، ماهیت دولت‌ها، فلسفه سیاسی و ایدئولوژیک و ساختار آن نقش اساسی در فرایند و جهت توسعه، از جمله توسعه کشاورزی دارد. در این کتاب بیان می‌شود که این بحث در سه محور قابل طرح است:

- نقش دولت در فرایند توسعه؛

- دولت رانتیر و پیامدهای توسعه‌ای آن؛

- ویژگی‌های تاریخی و توسعه‌ای دولت ایران با توجه به نقش نفت. بازاری (۱۳۸۷) در نبود توازن سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت تولید در بخش کشاورزی به اهمیت این موضوع پرداخته است. تحقیق یادشده توسعه بخش کشاورزی را تابع دو اصل سرمایه‌گذاری و شرایط بازار می‌داند که تحقق این دو مهم در سایه اقدامات کارشناسی‌شده و سیاست‌های علمی میسر می‌شود. این در حالی است که سیاست‌های تنظیم‌شده یا در دست تنظیم برای تحقق دو هدف ذکرشده با واقعیت موجود در فرایند مدیریت تولید بخش کشاورزی هم‌انگهی لازم را ندارد و فاقد اقدامات کارشناسی‌شده و سیاست‌های علمی است. بنابراین، گسست منافع بین حلقه‌های تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در دولت و بهره‌برداران کشاورزی را چالش اصلی به‌وجودآمدن این وضع می‌داند و به این نکته تأکید می‌نماید که تا وقتی روابط بین دولت و بخش غیردولتی در یک نقطه اشتراک به تأمین اهداف کلان توسعه‌ای کشور منجر نشود و به یک موازنه فعال برای رشد اقتصادی در بخش کشاورزی نرسد، تحقق اصول توسعه کشاورزی امری محال و دست‌نیافتنی است. خادم آدم (۱۳۶۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست اقتصاد کشاورزی در کژمحوری» به اهمیت موضوع پرداخته است و ضعف بخش کشاورزی در کشور را ناشی از نبود هم‌انگهی سیاست‌ها با اهداف کشاورزی می‌داند و بیان می‌کند که اغلب سیاست‌ها در معیار سنجش توانایی رسیدن به اهداف در کژمحوری قرار دارند. به‌طور کلی، وجود سیاست‌های انحرافی و فقدان هم‌انگهی با اهداف کشاورزی آفت هستند. گوش به‌زنگ حمله در تمام مراحل فرایند اقتصادی گاه پنهان می‌مکد، گاه آشکارا می‌بلعد و زمانی تیشه به ریشه می‌زند. نتیجه‌اش آفت و نابودی محصول و ثمره‌اش ناکامی در رسیدن به اهداف است. تحول در بخش کشاورزی در درجه اول در گرو اصلاحات و ارائه منظومه سیاست‌گذاری هم‌انگه و بهینه در راستای اهداف است. طراحی

معماری این تحول امکان‌پذیر است؛ اما با زیربنای کار علمی کارشناسی اجرای این سیاست میسر است. بیشتر دانستن را نایستی شرط مطلق زدودن نارسایی‌ها شناخت؛ زیرا، فزون-طلبی حد نمی‌شناسد. الگوی فکری را باید براساس اندیشه ساختن بهترین‌ها تحت‌نظر واقعیت‌های عینی طراحی کرد. رحمانی (۱۳۷۸) در بررسی تحلیلی روند، ظرفیت‌ها و تنگناهای توسعه کشاورزی در ایران، به اهمیت موضوع پرداخته است و عملکرد نامناسب دولت را اساس و پایه مشکلات کنونی بخش کشاورزی می‌داند. حقیقی (۱۳۶۶) به ارزیابی وضع موجود بخش کشاورزی و دورنمای آینده آن پرداخته و تأکید نموده است که هنوز حیطة دخالت دولت در کارهای اقتصادی و نقش آن در اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی روشن نیست و حدود و ثغور آن مشخص نشده است. در حال حاضر، مشکل این است که آن قسمت از برنامه که توسط دولت اجرا می‌شود، برای تحقق اهداف توسعه کافی نبوده است و در سایر بخش‌هایی که دولت باید در آن‌ها نقش ارشادی و هدایت‌کننده داشته باشد، ابزار کنترلی و ارشادی کافی و صحیحی در اختیار ندارد و دست‌کم می‌توان گفت برنامه کاملی وجود ندارد. در مجموع، ساختار تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌ریزی توسعه در کشور اعتقادی به بخش کشاورزی ندارد و بهبود وضعیت آن را در عرصه اقتصادی پی‌گیری نمی‌کند. همسانی توسعه‌نیافتگی بخش کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی با ظرفیت‌های زیاد طبیعی و اکولوژیک و روستاهایی که مزیت نسبی ظرفیت‌های طبیعی و اکولوژیک مناسب را ندارند، گواهی بر تأیید این مطلب است. در این میان، نتایج به‌دست‌آمده از روش آنتروپی شانون حاکی از آن است که میانگین وزنی شاخص‌های تعیین سطح توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب ۰/۰۳۰ است و با سطح ایده‌آل ۱ فاصله بسیار زیادی دارد؛ بنابراین، میزان توسعه کشاورزی در شهرستان خنداب در سطح پایینی ارزیابی می‌شود. در این میان، نتایج سنجش توان طبیعی شهرستان خنداب نشان می‌دهد میانگین ظرفیت اکولوژیک و زیستی در مقیاس لیکرت ۳/۶۴ می‌باشد که از میانه نظری ۳ بالاتر است و در وضعیت نسبتاً مناسبی تخمین زده می‌شود. در این بعد محدودیت‌هایی از لحاظ شرایط آب‌وهوایی به‌علت خصوصیات اقلیمی نیمه‌خشک در منطقه وجود دارد که ویژگی‌های جغرافیایی و توپوگرافیک منطقه این نقص را تعدیل کرده و تا حدودی از مشکلات آن کاسته است. بررسی وضعیت عوامل نهادی دولت نشان می‌دهد میانگین مطلوبیت الگوی رفتاری

نتایج به دست آمده از آزمون فریدمن با ضریب $1/33$ و سطح معناداری $0/931$ نشان می‌دهد بین میانگین شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار تفاوت معناداری وجود ندارد و بر میزان توسعه کشاورزی تأثیر یکسانی ندارد. در نهایت، نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه اصلی تحقیق در راستای تأیید دیدگاه کلی است و عوامل نهادی دولت با ضریب همبستگی $0/584$ و سطح معناداری $0/000$ ، با میزان توسعه کشاورزی رابطه مثبتی دارد. در واقع، بخش کشاورزی شهرستان خنداب از ظرفیت‌های طبیعی و اکولوژیک خود بهره می‌برد و اگرچه دولت به طور کاذب و به اجبار سرمایه‌هایی را به بخش کشاورزی تخصیص داده است، اما این اعتبارات توسعه کشاورزی را در شهرستان خنداب تحت تأثیر قرار داده‌اند.

یادداشت‌ها

1. Skees
2. Haseen & Khan
3. OECD
4. Nossal & Gooday
5. GIZ
6. Shiferaw, Okello, & Reddy
7. Huard

دولت در محیط برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی در طیف لیگرت $1/80$ است که از میانه نظری ۳ تحقیق پایین تر است و وضعیت مناسبی ندارد. انعکاس این الگوی رفتاری در میانگین $0/019$ شاخص‌های تعیین عملکرد برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی شهرستان خنداب و با فاصله زیاد از سطح ایده‌آل ۱ قابل مشاهده است. وضعیت عمومی شاخص‌های سرمایه‌گذاری دولت در فرایند تولید بخش کشاورزی شهرستان خنداب با میانگین $0/028$ و فاصل زیاد از حد ایده‌آل بیانگر این است که سرمایه‌گذاری مطلوبی در بخش‌های مختلف کشاورزی صورت نگرفته است. ارتباط مستقیمی بین مؤلفه‌های تأسیسات زیربنایی، آموزش و ترویج و جذب سرمایه از بانک‌های عامل با میزان توسعه کشاورزی، به ترتیب با ضرایب همبستگی $0/670$ ، $0/491$ و $0/438$ و سطح معناداری $0/000$ ، $0/000$ و $0/002$ برقرار است؛ اما این سرمایه‌گذاری هدفمند نیست و مبتنی بر کارکرد انحرافی دولت در عرصه اقتصاد می‌باشد. اهمیت اوزان شاخص‌های تنظیم ترتیبات قیمتی بازار محصولات کشاورزی در روستاهای شهرستان خنداب با میانگین $0/011$ است و فاصله زیاد از حد ایده‌آل نشان‌دهنده وضعیت نامساعد عملکرد برنامه‌ریزی توسعه دولت در این زمینه می‌باشد. در این ارتباط،

کتابنامه

۱. بازاری، م. (۱۳۸۷). عدم توازن سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت تولید در بخش کشاورزی. *ماهنامه تخصصی مزرعه‌داران*، ۲(۱۷)، ۱-۲.
۲. حقیقی، ث. (۱۳۶۶). بخش کشاورزی: ارزیابی وضع موجود و دورنمای آینده. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۲(۱۵)، ۵۹-۵۰.
۳. خادم آدم، ن. (۱۳۶۷). سیاست اقتصاد کشاورزی در کژ محوری. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۳(۲۵)، ۵۷-۵۴.
۴. رحمانی، ص. (۱۳۷۸). بررسی تحلیلی روند ظرفیت‌ها و تنگناهای توسعه کشاورزی در ایران. *جهاد*، ۱۹(۲۲۶ و ۲۲۷)، ۵۵-۵۰.
۵. زارع شاه‌آبادی، ع.، زارع شاه‌آبادی، ا.، صمیمی، س. و خراسانی، م. ا. (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی راهبردی توسعه بخش کشاورزی. *فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۱۵(۱۸)، ۴۹-۲۹.
۶. سلیمی، ک. (۱۳۸۴). عوامل ناکامی برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران، *روزنامه همشهری*، ۱۳(۳۸۳۰)، ۱۱.
۷. شادی‌طلب، ژ. (۱۳۷۲). تعدیل ساختار اقتصادی و سیاست‌های اعتباری بخش کشاورزی. *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱(۱)، ۱۶۲-۱۴۷.
۸. شوکت‌فدایی، م. و خلیلی، م. (۱۳۸۹). *سیاست کشاورزی (رشته علوم کشاورزی)*. تهران: انتشارات پیام نور.
۹. شیرخانی، م. و خوش‌گفتار لامع، ح. (۱۳۹۱). گفتمان و عملکرد اقتصاد سیاسی در دولت‌های تحصیلدار. *فصلنامه معرفت*، ۲۱(۱۷۲)، ۱۵۱-۱۳۷.
۱۰. عبداللهی، م. (۱۳۸۵). سرمایه‌گذاری و چالش‌های بازار مالی در بخش کشاورزی. *روند*، ۱۳(۴۹)، ۲۰۰-۱۶۹.
۱۱. فهیمی، ک. (۱۳۸۵). ویژگی‌ها و پیامدهای دولت تحصیلدار. *روزنامه سرمایه*، ۱(۳۱۹)، ص. ۱۳.
۱۲. محمدی‌فر، ن. و محمدی، ر. (۱۳۹۰). نقش دولت نفتی (رانتیر) در شکل‌گیری و ماهیت طبقه متوسط جدید. *دو ماهنامه چشم-انداز ایران*، ۷(۷۲)، ۲۶-۱۹.

۱۳. نجفی، ک (۱۳۸۴). *تأثیر درآمدهای نفتی بر سیاست‌های اقتصادی ایران در دهه ۶۰ و ۷۰*. (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشر نشده)، دانشگاه تهران، ایران.
۱۴. نوروزی، ن. م. (۱۳۸۵). *اقتصاد سیاسی نفت و جامعه مدنی در ایران*. فصلنامه اقتصاد سیاسی، ۴(۱۴)، ۳۱-۸.
۱۵. یاسوری، م. (۱۳۸۶). *علل پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید در نواحی روستایی*. *دوفصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۵(۹)، ۱۳۱-۱۱۳.
16. GIZ. (2012). *Rural development: Agriculture and climate change*. Published by Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ) GmbH, Germany. Retrieved from http://ec.europa.eu/agriculture/climate-change/index_en.htm.
17. Haseen, S., & Khan, R. (2011). Indian agriculture and food security: Problem and prospects. *Munich Personal RePEc Archive Paper*, Germany. Retrieved from <http://mpra.ub.uni-muenchen.de/33748/>
18. Huard, F. (2008). Overview of management of natural and environmental resources for sustainable agricultural development in France *Management of Natural and Environmental Resources for Sustainable Agricultural Development Conferance*, Proceedings of a Workshop held from February 13-16, 2006, in Portland, Oregon, 115-125.
19. Nossal, K., & Gooday, P. (2009). *Raising productivity growth in Australian agriculture*. Australian Bureau of Agricultural and Resource Economics (ABARE), Commonwealth of Australia.
20. OECD. (2009). The Role of agriculture and farm household diversification, trade and agriculture directorate, France. Retrieved from <http://www.oecd.org/tad/agricultural-policies>.
21. Shiferaw, B. A., Okello, J., & Reddy, R. V. (2009). Adoption and adaptation of natural resource management innovations in smallholder agriculture: Reflections on key lessons and best practices. *Environment, Development and Sustainability*, 11(3), 601-619.
22. Skees, J. R. (2003). Risk management challenges in rural financial markets: Blending risk management innovations with rural finance. In *The thematic papers presented at the USAID conference: Paving the way forward for rural finance* (pp. 2-4), Washington.

Analytical Factors Deterrent Agricultural Development in Rural Areas (Case Study: Khondab County, Markazi Province)

Reza Khosrobeigi Borchelouie,^{*1} Hamid Shayan², Aliakbar Anabestani³, Khadijeh Bouzarjomehri⁴

1- Assistant Prof., Geography and Rural Planning, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran

2- Full Prof., Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

3- Associate Prof., Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

4- Associate Prof., Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 29 July 2013

Accepted: 31 May 2014

Abstract

Purpose: This study considers deterring factors for agricultural development in rural areas of Khondab County as an arising effect of previous governmental officials; while natural factors cannot be ignored.

Methodology: The research method of this study is the analysis of documents and surveys (questionnaires, field interview). The sample of the study consists of 370 farmers from 25 rural settlements in Khondab County and 18 are researchers and academic experts.

Finding: The results show that Shannon's entropy method with an average level of agricultural development 0.030 was less than ideally expected. The natural performance level of the area is 3.64 on the Likert scale, which is higher than the median of three comments. The average of desirability behavior pattern of the government in agricultural development planning in Likert scale is 1.80 which is lower than the level of middle and theoretical research. The impact of such behavior on Agricultural Development Planning Performance indicators is obvious (0.019). In the meantime, infrastructure components, training and promotion and investment banks operating in sequence with correlation coefficients 0.419, 0.670 and 0.438 a significance level of 0.000, 0.000 and 0.002 with the agricultural development of targeted communication have shown that this relationship is not based on investment and diversion operation of government in the economy. The Arrangements of weights, measures the average market price of agricultural products in rural Khondab County (0.011), show the disadvantage of these dimensions. The importance of price regulation arrangements on agricultural development is the same.

Research limitation: The limitation of this study is the lack of adequate information and lack of access to information in the respective organization.

Practical implications: The mutual relations between the government and farmers should participate in one-point which lead to securing the country's development goals and to enable a balance to achieve economic growth in the agricultural sector.

Original/value: The majority of research studies done in the field of agriculture villages, relied solely on the internal structure and ignored the external factors. The present study considers the theoretical foundation of the government intervention in the development of agriculture as a part of national economy and finds the key factors hindering agricultural development in the institutional features embedded in the mechanisms of a particular political economy (character Rentier State and reliance on oil revenue).

Key words: Natural factors, institutional factors, investment in production, market regulation, agricultural development, Khondab County.

How to cite this article:

Khosrobeigi Borchelouie, R., Shayan, H., Anabestani, A.A., & Bouzarjomehri, Kh. (2014). Analytical factors deterrent agricultural development in rural areas (Case Study: Khondab County, Markazi Province). *Journal of Research & Rural Planning*, 3(6), 39-54.

URL <http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/24326>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495